

شرق: «نخست‌وزیر عراق پیشنهاد داد که با وساطت بغداد گفت‌وگوهای ایران و مصر در سطوح امنیتی و سیاسی آغاز شود». حسین امیرعبداللهیان با اعلام این مطلب اعلام کرد: «در گفت‌وگوی که با آقای السوداني، نخست‌وزیر عراق، در حاشیه برگزاری اجلاس بغداد در ۲ اردن داشتیم، وی ایده‌هایی را مطرح کرد که عراق بتواند نقش منطقه‌ای خود را برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایفا کند». وزیر امور خارجه با بیان اینکه نخست‌وزیر عراق در این نشست تمایل و پیشنهادی مبنی بر اینکه گفت‌وگوهای ایران و مصر در سطوح امنیتی و سیاسی آغاز شود و منجر به تقویت روابط تهران و قاهره شود، مطرح کرد، گفت: من از این ایده نخست‌وزیر عراق استقبال کردم. امیرعبداللهیان در مصاحبه با خبرنگاری میزان افزود: «آقای السوداني قرار است که در این رابطه دو هفته‌ای آینده اقداماتی را انجام دهد». وزیر امور خارجه در بخش دیگری از صحبت‌هایش در این زمینه گفت: «قرار است که این موضوع را در راستای نقش منطقه‌ای عراق برای کمک به تقویت گفت‌وگو و همکاری‌ها پیگیری کنیم».

ادعایی که محلی ازاعراب ندارد

با در نظر گرفتن اقتصادات سیاست خارجی ایران، هم در منطقه و هم در سطح جهان و ادعاهای تقابلی که در مسائل پرونده هسته‌ای، مذاکرات احیای برجام و مسئله پهپادها و ادعاهای حقوق بشری وجود دارد، این دست چشم‌اندازهای امیرعبداللهیان به نظر می‌رسد خیلی امکان ظهور ندارد. اگرچه در ماه‌های اخیر اردن و مصر پالس‌های مثبتی را برای ازسرگیری روابط با ایران ارسال کردند و حضور ایران در نشست امان هم می‌تواند مؤیدی بر این نکته باشد، اما ادعاهایی که در عرصه بین‌المللی طی سه ماه گذشته در تقابل با تهران مطرح می‌شود، صفحه تازه‌ای را در صحنه دیپلماسی کشور گشوده است. در چنین شرایطی و با نگاه به رفتارهای مرسوم دیپلماتیک به نظر می‌رسد که اردن و مصر هم تا تعدیل فضایی که بر علیه ایران ساخته شده، احیانا نه توان و نه تمایلی برای بهبود روابط با تهران دارند. اساسا مناسبات منطقه‌ای ایران به‌خصوص در خاورمیانه عربی به شکل مستقیمی به دیگر موضوعات گره خورده است. در منظر اول هرچند عربستان سعودی، اردن و مصر مخصوصا در دوره عبدالفتاح السیسی وضعیت بغرنجی در زمینه حقوق بشر داشتند و دارند، بااین‌حال فعلا تمرکز جهانی روی ایران است؛ بنابراین تا زمانی که این تقابل و سنگ‌اندازی در مسیر تهران در مسائل فوق تداوم یابد، بستر اولیه تحرکات میانجیگرایانه از سوی بغداد یا هر بازیگر دیگری برای ترمیم روابط قاهره – تهران احیانا به جواب مودنظر نرسد، کماینکه لاینچل‌ماندن موضوع جنگ اوکراین و موضوع ارسال پهپاد هم تبعاتی را برای دیپلماسی ایرانی رقم زده است که می‌تواند فضای لازم برای بهبود روابط با کشوری چون مصر را از بین ببرد.

ازوین تا بغداد

در ضمن اگر به پالس‌های مثبت دیپلماتیک مصر و اردن در کنار

گزارشی از روز پرتنش ارزی مجلس و دولت

سیاست‌های ارزی دولت زیر ذره بین مجلس

شرق: مجلسی‌ها روز گذشته میزبان دو نفر از اصلی‌ترین نفرات تیم اقتصادی دولت، یعنی وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس بانک مرکزی بودند؛ چراکه این روزها بیش از هر زمان دیگری شاهد افزایش افسارگسیخته قیمت ارز، کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی، کوچک‌شدن سفره مردم و به‌خطر افتادن معیشت بخش قابل‌توجهی از جامعه بوده‌ایم. از این رو با فراخواندن نفرات اصلی تیم اقتصادی دولت به صحن مجلس خواستار ارائه گزارش وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی درباره نوسانات اخیر ارزی و گرانی‌ها در بازار ارز و سایر بازارهای موازی مانند خودرو شدند تا با شنیدن دلایل و توضیحات آنها پشت درهای بسته و به‌صورت غیرعلنی، دلیل این بی‌سروسامانی اقتصادی و بی‌برنامگی را در میان صحبت‌هایشان بیابند و شاید برایش درمانی پیدا کنند. اما آن‌طور که از صحبت‌ها و موضع‌گیری نمایندگان با علنی‌شدن جلسه مشخص بود، ظاهرا دولتی‌ها نتوانسته بودند دلیل متقاعدکننده و موجهی ارائه دهند. به همین دلیل در نطق‌ها و تذکرات خود این عصبانیت را بروز دادند و با انتقاداشان تیم اقتصادی دولت را تا حدی نواختند.

صبح روز گذشته همان‌طورکه از قبل اعلام شده بود، جلسه غیرعلنی مجلس با حضور رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد و دارایی پشت درهای بسته و به دور از چشم رسانه‌ها تشکیل شد. صالح‌آبادی، رئیس کل بانک مرکزی در جلسه غیرعلنی گزارشی درباره اقدامات ارزی دولت به مجلس ارائه کرد و در ادامه نیز نمایندگان گزارش خاندوزی، وزیر اقتصاد و دارایی را شنیدند. پس از آن با علنی‌شدن صحن مجلس، بررسی گزارش کمیسیون اقتصادی درباره ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات ارزی دولت در دستور کار قرار گرفت اما در ادامه جلسه رئیس مجلس و نمایندگان از مدیریت بازار ارز انتقاد کردند و خاندوزی و صالح‌آبادی به دفاع از عملکرد خود پرداختند.

خاندوزی: استقراض دولت از بانک مرکزی به صفر رسیده‌است

احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی روز گذشته در ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات ارزی دولت با اشاره به عملکرد – و خروجی نتایج مربوط به این سیاست‌های مالی خطاب به نمایندگان مدعی شد: «اول دی‌ماه ۱۴۰۱ استقراض دولت از بابت کسری و از محل تن‌خواه و بانک مرکزی به صفر رسیده است. شاید برای اولین بار در ایام گذشته است که مسئله کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی به کمترین عدد ممکن رسیده است». او همچنین بیان کرد: «۲۱ شه‌ریور در نامه‌ای به رئیس مجلس درخواست کردم ابزار کنترلی برای کنترل تقاضاهای دلالی، سفته‌بازی و سوداگری بازار ارز ایجاد شود که یک‌بار برای همیشه به این وضعیت خاتمه دهیم. با تصویب طرح مالیات بر سوداگری و عایدی سرمایه به دوران سوداگری و سفته‌بازی در بازار ارز پایان خواهیم داد». علی صالح‌آبادی، رئیس کل بانک مرکزی نیز در سخنانی در جلسه روز گذشته مجلس بیان کرد: «نرخ سود بانکی یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بازار ارز است که در تمام کشورهای دنیا به‌عنوان یک سیاست پولی برای مدیریت بازار ارز از آن استفاده می‌شود».

انتقادات صریح «قالبیاف» از مدیریت بازار ارز

پس از سخنان رئیس‌کل بانک مرکزی و وزیر امور اقتصاد و دارایی، محمدباقر قالبیاف، رئیس مجلس به جمع‌بندی آنچه گذشت پرداخت و با بیان اینکه «وضعیت ارز قابل‌قبول نیست»، گفت در جلسه سران قوا بنا شد که موضوع ارز به‌طورخاص دنبال شود و بازار ارز را سروسامان خواهیم داد. در «موضوع مربوط محمداقراقالبیاف ادامه داد: «در موضوع مربوط به ارز در ایران باید کار را به سه بخش دسته‌بندی و



«شرق» نگاه وزیر امور خارجه برای احیای روابط با مصر را بررسی می‌کند

دیپلماسی بلا تکلیف؟

تهران – قاهره در امتداد تهران – ریاض ؟!

عربستان برای احیای روابط با ایران نگاه شود، مشخص است که تلاش ریاض، امان و قاهره به موازات آغاز مذاکرات وین و تقویت احتمال احیای برجام مطرح شد؛ اکنون که شاهد بن‌بست در گفت‌وگوها و احیای توافق هسته‌ای هستیم، نمی‌توان به خروجی و دستاوردی در زمینه مناسبات منطقه‌ای به‌خصوص با کشورهای عربی امید داشت. به‌رحال گزاره محوری آن است که سرنوشت اقدام بغداد برای احیای روابط عربستان به نشست وین و احیای برجام گره خورده است. حال که در وین نشستی در کار نیست، نشست بغداد هم پادرواست؛ کماینکه باوجود اعلام آمادگی چندباره عراق و ایران، دور ششم نشست بغداد که قرار بود در سطح سیاسی برگزار شود، با خرید زمان از سوی عربستان به در بسته خورده است. پیرو این نکته باید اشاره کرد که چون نشست بغداد با هدف احیای روابط ایران و عربستان به دلیل توقف نشست وین برای

و در سایه آن به دنبال دادن پالس مثبت دیپلماتیک است و در سوی دیگر لفاظی‌های دیپلماتیک و یک بازی سیاسی فرسایشی از جانب عربستان در قبال نشست بغداد با هدف احیای روابط با تهران در دستور کار قرار گرفته است. نکته اینجاست که ریاض با توجه به مسائل مربوط به تعلیق دوباره برجام و همچنین ذهنیتی که برای خود نسبت به مسائل داخلی ایران ساخته است، ظاهرا تمایلی به احیای روابط با تهران ندارد؛ چراکه سعودی‌ها گمان می‌برند با توجه به مسائل داخلی و خارجی ایران، تهران در موضع ضعف قرار گرفته است و نباید با احیای روابط فرصت و فضایی را برای تنفس منطقه‌ای تهران ایجاد کرد. بر همین اساس ریاض در خفا با ادامه کمک‌های مالی به شبکه‌های بی‌هویت رسانه‌ای و ضدایرانی و نیز تقویت جریان‌های تجزیه‌طلب و ناسیونالیستی شرایط را به‌صورت کج‌دورمزیز ادامه می‌دهد. درعین‌حال عربستان اجماع‌سازی منطقه‌ای با کمک شورای همکاری خلیج فارس و نیز آماده‌شدن برای ایجاد ائتلاف عربی – اسرائیلی در سایه بازگشت نتانیاهو به قدرت را علیه تهران پی خواهد گرفت. دراین‌بین تلاش ریاض برای برهم‌زدن توازن دیپلماتیک پکن با سفر شی به عربستان و امضای دو بیانیه ضد ایرانی هم در همین راستا قابل ارزیابی است.

در این بین مطرح‌شدن دیدار هیئت عربستانی با ایران در نشست بغداد در امان از زبان وزیر امور خارجه هم مؤیدی بر این مسئله مهم است که سیاست خارجی ایران با چالش «دوگانگی» مواجه است. یعنی هم‌زمان با تلاش حسین امیرعبداللهیان برای دیدار با هیئت عربستان سعودی، زمینه‌سازی برای کاهش تنش و احیای روابط، در داخل کشور برخی چهره‌های سیاسی با ناسزاگفتن به عربستان، عملا تمام این تلاش‌ها را بر باد می‌دهند. همین دوگانگی به‌وضوح حکایت از آن دارد که منابع متعدد، متنوع و گاه متضاد روی مسیر دیپلماسی کشور تأثیر می‌گذارند که سبب شده مناسبات سیاست خارجی، به‌خصوص روابط منطقه‌ای عربی با سردرگمی مواجه شود. در این شرایط بدیهی است که کشورهای منطقه از عربستان گرفته تا مصر و… هم بر این دیپلماسی بلاتکلیف تهران واقف و آگاه‌اند و به همین واسطه تمایلی برای احیای روابط تا زمان اصلاح این نگاه وجود ندارد. ذکر این نکته مهم است که باید تلاش عراق برای احیای روابط ایران – عربستان با ایران – مصر را نه به‌صورت مجزا و مستقل بلکه در قالب یک بسته مناسبات عربی بررسی کرد. از این منظر آن‌گونه که مشخص است مجموعه کشورهای عربی ذیل منازعات پیشین هنوز به دیالکتیک سیاسی با تهران دست پیدا نکرده‌اند. زمانی که حساسیت این کشورها درخصوص پرده فعالیت‌های هسته‌ای کامکان ادامه دارد و با ترک میز مذاکره، نگرانی‌ها پررنگ‌تر از قبل شده است، کشورهای عربی به‌صورت موردی و مجزا از روند نگاه عربی در مسیر تعامل با تهران حرکت نخواهند کرد.

ملی، حفظ ارزش واقعی پول ملی را مطرح می‌کند».

زنگنه افزود: «متأسفانه گزارش کمیسیون اقتصادی».

براساس همین مسیر تهیه شده است، کمیسیون اقتصادی در طرح بانک مرکزی و با این گزارش نشان داد که اعتقادی به وظیفه بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول ملی ندارد».

برخی از وزرا و مقامات گزارشات غلط به دولت می‌دهند

اما عزت‌الله اکبری تالاریشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس معتقد است که برخی وزرا و مقامات گزارشات غلط به دولت می‌دهند و گزارش رئیس کل بانک مرکزی در جلسه مجلس را فرافکنی خواند. صدیغنی نظری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در سخنان انتقادی خود به آنچه بی‌گفتایی برخی از مسئولان اقتصادی خواند، اشاره کرد و گفت که دلار ۴۰ هزار تومان شده و روزبه‌روز پول مردم دود می‌شود و به هوا می‌رود. در این خصوص تیم اقتصادی دولت که تیمی ناهماهنگ و فاقد فرماندهی مشخص است، باید حتما به مجلس پاسخ‌گو باشد. اما محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس برخلاف سایر همکاران خود اظهار کرد که منابع ارزی کشور نسبت به گذشته بهبود یافته و پیش‌بینی کرد با اعمال مدیریت صحیح در بازار شاهد کاهش نرخ ارز باشند.

صحبت‌های پشت تریبون مشکلی از بازار ارز حل نخواهد کرد

در کنار اظهارات متفاوت نمایندگان درباره سیاست‌های ارزی دولت، کاظم دلخوش، نماینده مردم صومعه‌سرا در مجلس در تذکری شفاهی گفت: «صحبت‌های پشت تریبون مشکلی از بازار ارز حل نخواهد کرد و با ادامه سیاست فعلی بانک مرکزی نیست تا شب عید چه یلایی بر سر مردم بیاید». او تأکید داشت که این سخنان درخصوص کنترل بازار ارز هیچ نتیجه‌ای ندارد؛ چراکه ۹۰ درصد ارز کشور در دست دولت است که از محل فروش نفت و پتروشیمی‌ها به دست می‌آید و تنها درصد ناچیزی در دست مردم است. در انتها هم دلخوش با طرح این سؤالات که آیا مدیریت درستی در این بازار وجود دارد؟ و آیا دولت توانسته به درستی در این حوزه سیاست‌گذاری کند؟ با تأکید بر این جمله که «اگر برای مدیریت بازار ارز کمبود قانون داریم، کمیسیون اقتصادی طرح بیاورد» به تذکر خود خاتمه داد.

انتقاد از اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی

علی بابایی کارنامی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نیز در تذکری با تأکید بر لزوم حفظ شأن و اقتدار مجلس بر اساس قانون گفت: «اخیر رئیس کل بانک مرکزی در تریبون رسمی جمهوری اسلامی ایران اظهارنظری کردند و به‌نوعی بی‌ثباتی بازار ارز و افزایش سبزه‌بازی در تنش‌های دوگانه کارگران عنوان کردند که واقعا خنده‌دار است». اگرچه رئیس بانک مرکزی مدعی شد که برای ثبات ارز در بازار برنامه دارند اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور بعید به نظر می‌رسد سیاست‌های فعلی دولت درباره کنترل قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی چندان اثرگذار باشد. از این رو مجلسی‌ها باید تدبیری عاجل بیندیشند تا بیش از این به سه‌رفه‌های خالی مردم ضایع وارد نشود.

نگاه

حقیقتا ایران به‌زودی سکان هدایت دنیا را در دست خواهد گرفت؟

چشمان بسته اصولگرایان

«ایران به قدرت اول دنیا تبدیل شده است»، «ما در مرحله تدوین قانون جدید برای جهان هستیم و باید خود را برای تدوین این قانون مهیا کنیم»، «پیشرفتی که جمهوری اسلامی طی چهل‌وچند سال اخیر داشته با کشورهای منطقه و میانگین رشد جهانی قابل‌مقایسه نیست»، «ایران پیشرفت‌های بسیاری دارد که حتی نخبگان اطلاعات دقیقی از آنها ندارند»، این جملات را یک فرد معمولی با یک فرد بی‌اطلاع از دنیای سیاست و حکمرانی بر زبان نیاورده بلکه سخنانی است که صدیقی امام‌جمعه موقت تهران، سیدمحمدمدی میرباقری عضو مجلس خبرگان رهبری، سخنگوی دولت و رئیس‌جمهور در روزهای اخیر بر زبان آورده‌اند؛ البته از این دست سخنان در میان اصولگرایان خوشحال از قدرت یکپارچه «که با روی‌کارآمدن دولت سیزدهم نصیب‌شان شده» کم نیست؛ اما این روزها با افزایش مشکلات معیشتی و کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم و نگرانی‌ها از اقتصاد ایران، به‌جای یافتن راه‌حل، تعریف از خود شدت هم یافته است، گویی مردم ایران در خلا زندگی می‌کنند و با این اخبار، بیکاره سفره‌شان رنگین خواهد شد و ناراضیانی‌ها خاموش. کارگردن ملموس سخنانی از این دست فراهم‌کردن خوراک خبری جدیدی برای نقد دنیای ذهنی اصولگرایان برای رسانه‌های بیگانه و بازی با اعصاب و روان مردم خسته از فشارهای اقتصادی و اجتماعی است. این‌گونه اظهارنظرها برآمده از خستگاه ذهنی و نه زندگی واقعی اصولگرایان است که با سعی دارند این‌گونه چشمان خود را بر روی مطالبات افکار عمومی و همچنین معضلات بیندند یا در دنیایی دور از کف خیابان و زندگی معمول مردم سیر می‌کنند. درباره اینکه ریشه این نوع تفکرات که اغلب منتج به تصمیم‌سازی در حکمرانی هم شده است، کجاست، نمی‌توان به قضاوت دقیق نشست؛ اما مشکل آنجاست که همین تفکرات زمینه تصمیماتی را ساخته‌اند که کشور را در مرز چالش‌های عظیم اقتصادی و سیاسی قرار داده است، چه زمانی که برجام را معطل زمستان سرد اروپا نگه داشتند با وعده دوا هم صبر کنید زمستان سخت از راه برسد تا اروپا تسلیم ایران شود، چه زمانی که کل تحریم‌ها کاذفبازه خوانده شد یا قرار شد اقتصاد به تحریم‌ها نخورد و صریح بیان شد ضعف دولت باید که نتوانست بدون برجام و تحریم‌ها ارز را کنترل کند و ما می‌توانیم. به در ماه‌های اخیر که با رشد تورم و کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی همچنان سخن از حسادت اروپایی‌ها به کشور است و ازسرعت قطار در حال حرکت کشور یاد می‌شود؛ همه در حالی است که مهم‌ترین وعده‌های اصولگرایان که در عرصه تولید مسکن و کنترل بازار خودرو و سکه و ارز چه در حیطه درمان و دارو و چه در بحث اینترنت و موارد دیگر محقق نشده است، وعده‌ها از یک نمایش سیاسی فراتر نرفته‌اند. در چنین شرایطی حالا اینکه چگونه ما قرار است برای دنیای در حال نابودی، قحط نجات بینیم یا در برابر حسادت دنیا به پیشرفتی بی‌مثال کشور مقاومت کنیم می‌شود مهم‌ترین سخنان مسئولان ما. پنجشنبه هفته گذشته صدیقی امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه موفقیت‌های چشمگیر ایران اسلامی دشمن‌م را به زانو درآورده است، افزود: ایران به قدرت اول دنیا تبدیل شده است. او با اشاره به دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف، بیان کرد: پیشرفت‌های انقلاب اسلامی مانند خاری در چشم دشمنان شده است و ازاین‌رو فشارهای رسانه‌ای و عملیات روانی‌اش را بر این نظام گسترده است. چندی پیش هم محمدمدی میرباقری کاملا جدی اظهار کرده است، در اینکه در آستانه تحو در مقیاس جهانی قرار داریم. بین اندیشمندان داخلی و خارجی اختلاف‌نظری وجود ندارد؛ بنابراین باید برای نقش‌آفرینی در آینده جهان آماده شویم. این عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: «ما در مرحله تدوین قانون جدید برای جهان هستیم و باید خود را برای تدوین این قانون مهیا کنیم و سهم و تأثیر جدی داشته باشیم و فضا را برای نقش‌آفرینی بیشتر آماده کنیم».

میرباقری گفت: «بحث و سؤالی که هم‌اکنون مطرح است، این است که تمدن جدید غرب که الان ما وجود است، دارد تعارضات خود را حل می‌کند و در یک شکل پیچیده‌تری می‌خواهد خودش را سامان دهد یا اینکه این تمدن درحال فروپاشی است. درنهایت در تلاش است تعارضات درونی خود را حل کنند که مهم‌ترین آنها انقلاب اسلامی و آثار آن در سطح جغرافیایی است. پیش‌بینی آنها این است که تا ۱۰ سال دیگر نظام موجود دولت و ملت دچار فروپاشی خواهد شد و برای دستیابی به این هدف، جنگ‌های بزرگی ایجاد خواهند کرد تا نقش‌آفرینان مخالف ایده خود را حذف کنند». عضو مجلس خبرگان رهبری افزود: «انقلاب اسلامی در جهان، خودآگاهی ایجاد کرده و کار به جایی رسیده که تمدن غرب و نظام آن در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. غرب سعی می‌کند با ایجاد موانعی مانند جنگ و تحریم، جلوی انقلاب اسلامی را بگیرد و آخرینش هم همین جنگ شناختی است. تحلیلگران غربی، فتنه جدید را پایان کار انقلاب اسلامی تلقی می‌کردند؛ ولی مایوس شدند. تمدن غرب، چین و روسیه را رقیب خود می‌داند؛ اما انقلاب اسلامی را بدیل و جایگزین خود می‌داند و سعی می‌کند با هم‌زمنی رسانه‌ای تأثیر انقلاب اسلامی را کم‌رنگ جلوه دهد. غرب‌گراها می‌گویند که بیهود تلاش می‌کنید. درنهایت، غربی‌ها بر شرایط فائق می‌آیند و باید برای گذر از این چالش با غربی‌ها کنار بیاییم». سخنان رئیس‌جمهور و کابینه‌اش هم بماند که کلا قائل به وجود مشکلات نیستند و وضعیت کشور را مطلوب و روند افزایشی قیمت ارز را هم کار دشمن می‌دانند؛ بنابراین وقتی متهمی وجود دارد، نیازی به حل مشکل احساس نمی‌شود. اینکه نتیجه این تفکر چه بر سر کشور خواهد آورد، یکی از مهم‌ترین باخس‌های آینده‌های اخیر است و انتظار برای ترمیم کابینه و حل مشکلات میان اینوه مطالبات در حال رنگ باختن است.

تقابل نرم، هم‌زمان با نمایش تعامل با تهران

مجموعه نکات یادشده این سؤال را بیشتر به ذهن متبادر می‌کند که اگر شرایطی برای بهبود روابط با ایران مهیا نیست، اساسا ادعا و تلاش ریاض، امان، قاهره، کویت یا اقدام ابوظبی برای بازگرداندن سفیر خود به تهران چه معنایی می‌دهد؟ آیا در این میان تناقض تحلیلی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که هیچ تناقضی مطرح نیست. این بازیگران عربی به این هوشمندی سیاسی رسیده‌اند که از تقابل مستقیم با تهران تنها به یک روند هزینه‌زا و فرسایشی می‌رسند که نه‌تنها امنیت دو طرف بلکه امنیت کل منطقه غرب آسیا تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. بنابراین اکنون «موازنه‌سازی دیپلماتیک» به صدر و اولویت سیاست خارجی عربی بدل شده است. این کشورها ضمن کسب پالس مثبت به تهران و به راه انداختن بازی سیاسی سعی دارند مناسبات خود با اسرائیل را هم تقویت کنند تا از اهرم تهران برای مدیریت تل‌آویو و از برکه اسرائیل برای موازنه با ایران نهایت استفاده را ببرند. همچنان که امارات متحده عربی در این مسیر گام عملی خود را برداشت و با امضای پیمان ابراهیم به‌تدریج روابط با ایران را هم تا حدی بهبود بخشید که سفیرش را به تهران بازگرداند. این موازنه‌سازی در دستور کار کشوری مانند قطر هم قرار دارد.

اما نمونه مهم‌تر این موازنه‌سازی به عربستان سعودی بازمی‌گردد که نشان می‌دهد بن‌سلمان دیگر تمام تخم‌مرغ‌های سیاست خارجی را در سبد آمریکا نخواهد ریخت. پاسخ مثبت پنج اکتبر/ ۱۳ مهر ولیعهد سعودی به درخواست پوتین برای کاهش دومیلیون بشکه‌های نفت در اوپک‌پلاس و سفر «شی» به عربستان حکایت از آن دارد که ریاض با درک تحولات جهانی بعد از جنگ اوکراین بهترین راه‌حل برای تحقق منافع ملی را در پیشبرد «موازنه‌سازی سیاست خارجی» می‌بیند تا از پتانسیل و فرصت ارتقایی روابط با همه کشورها و همه طرف‌ها نهایت استفاده را ببرد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تنها در یک مورد مشخص موسوبی بن‌سلمان با کرملین در اوپک‌پلاس اگرچه در ظاهر باعث واکنش منفی دولت بایدن شد اما در عمل شاهد بودیم که کاخ سفید ۱۷ نوامبر/ ۲۶ آبان رای به مصونیت قضائی ولیعهد سعودی در قتل جمال خاشقجی داد تا جایی که جان بیس، قاضی فدرال در واشنگتن شکایت خدیجه جنگیز، نامزد جمال خاشقجی علیه محمد بن‌سلمان را با استناد به اعطای مصونیت بایدن، رئیس‌جمهور این کشور رد کرد. این نشان می‌دهد که عربستان به‌راحتی با اهرم فشار روسیه و چین می‌تواند غرب را کنترل کند، کماینکه عکس آن هم صادق است. این موازنه‌سازی در مناسبات منطقه‌ای کشورهای عربی و به‌ویژه در قبال ایران، دِل نوعی از «تقابل نرم، هم‌زمان با نمایش تعامل با تهران» وجود دارد؛ خاصه آنکه در نکته پیش‌گفته ایران با نوعی دیپلماسی بلاتکلیف در منطقه با تمرکز بر مناسبات عربی دست‌به‌گریبان است.